

# راه توده

فوق العاده

۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۷۵

## با یورش "طردشدگان" انتخابات "اخیر باید به مقابله برخاست!

\* در پشت شعار "مبارزه با لیبرالیسم" مبارزه با جنبش آزادیخواهی مردم سازمان داده شده است!

\* دستور خمیر کردن پنجهزار جلد کتاب چاپ اول و دوم به ناشران داده شده است!

\* شکست خوردگان انتخابات اخیر مجلس، از ضرورت "وفاق ملی" می گویند!

\* تلویزیون جمهوری اسلامی با پخش برنامه "هویت"، نیروهای مذهبی را علیه روشنفکران کشور تحریک می کند، و نویسنده معاصر "غزاله عزیزاده" در اعتراض به این برنامه خود کشی کرد!

\* به مطبوعات توصیه کرده اند: سکوت کنید، دنبال قربانی می گردند!

\* پس از اصفهان، پست های نگهبانی و بازرسی شبانه در تهران برپا شده است و در برخی مراکز فرهنگی کشور، نیروهای وابسته به سپاه پاسداران مستقر شده اند!

شده، با اعلام نتایج دور دوم انتخابات و ترکیب سیاسی جدیدی که برای مجلس پنجم پیش بینی می شود، شتاب روز افزون گرفته است!

گروه های چماقدار، که دراستخدام حزب موتلفه اسلامی، سازمان های صنفی- سیاسی تجاروابسته، شبکه مافیائی حجتیه، سازمان تبلیغات اسلامی، هسته های عملیاتی وابسته به مساجد و ستاد نمازجمعه و... قرار دارند، تحت عنوان مبارزه با "لیبرالیسم" (!) در تهران و برخی شهرهای بزرگ ایران، بر یورش های خود به مردم افزوده اند. این درحالیست، که سازمان دهندگان واقعی این باصطلاح "مبارزه"، خود بزرگ ترین مجری و حامی طرح لیبرالیسم اقتصادی "امپریالیسم امریکا می باشند، که درایران با عنوان "تعدیل اقتصادی" مردم را به سیه روزی کشانده است. لیبرالیسم اقتصادی مورد حمایت، آقایان "مدعی مبارزه با لیبرالیسم"، یعنی سرعت بخشیدن به طرح خصوصی سازی اقتصاد کشوردرتمام عرصه ها و سپردن آن بدست بازار، تجار و روحانیون حامی آن!

همزمان با این یورش و رویدادها، مطبوعات حکومتی و شناخته شده ترین چهره های ارتجاع شکست خورده درانتخابات اخیر، به حمایت از این عملیات برخاسته اند. آنها درحالی که خود خائن به آرمان های انقلاب بهمین ۵۷ هستند، درمصاحبه ها، بیانیه ها و مقالاتی که در نشریات حکومتی با آب و تاب انتشار می یابد، و همچنین با سخنرانی های تحریک آمیز خویش، برای گروه های بسیج و سپاه پاسداران، آنها را به بهانه ضرورت دفاع از ارزش های "اسلامی" و "انقلابی" به حمایت از این عملیات فرا می خوانند!

شیوه سازماندهی و عمل این گروه ها، که روزنامه های حکومتی آنها را "انصارحزب ا لله" می نامند، شباهت بسیار به سبک و شیوه مزد بگیران شعبان جعفری (مشهور به شعبان بی مخ) درآستانه کودتای ۲۸ مرداد" دارد! ایجاد رعب و وحشت عمومی و فراهم ساختن زمینه تهاجم های رسمی و حکومتی به جنبش آزادیخواهی مردم ایران، آشکارترین

درایران، و بدنبال برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی، دورجدیدی از حوادث و رویاروشی ها درحال تکوین و تکامل است، که بنا بر برخی گزارش های دریافتی از داخل کشور، حوادث کودتائی سال های ۶۰-۵۹ را به خاطر می آورد! حادثی که زمینه ساز خونین ترین رویدادها و سرآغاز یورش سراسری به آزادی های برآمده از انقلاب بهمین ۵۷ بود.

گزارش های دریافتی از داخل کشور، همچنین حکایت از استقرار پست های بازرسی شبانه در نقاط مختلف شهر تهران و اشغال مسلحانه برخی مراکز فرهنگی کشور توسط افراد وابسته به سپاه پاسداران دارد. درمحافل مطلع گفته می شود، دستورخمیر کردن ۵ هزار جلد کتاب چاپ اول و دوم به ناشران داده شده است!

درحالیکه گروه های سازمان یافته، تحت نام "انصارحزب ا لله" سوار برموتورسیکلت درخیابان های تهران با شعار "می کشیم می کشیم، مخالف امام (منظورخامنه ایست) را" عربده جونی می کنند، شناخته شده ترین چهره های حزب "موتلفه اسلامی"، نظیر علینقی خاموشی و مهندس باهنر در نشریات رسمی کشور (از جمله "آخبار") از ضرورت "وفاق ملی" سخن می گویند!

منظورازاین دعوت به وفاق که تکمیل کننده آن عربده جوسی ها و زمینه سازی های خیابانی می باشد، درحقیقت دستی است که ارتجاع مذهبی و سرمایه داری تجاری وابسته ایران، با هدف منزوی ساختن و حذف چهره های چپ و مستقل گروه بندی های راه یافته به مجلس پنجم، جلوگیری از همکاری آنها با یکدیگر و امید داشتن به حفظ قدرت خود درحکومت، دراز کرده است!

این حوادث و رویاروشی ها، که از فردای آشکارشدن شکست انکارناپذیر روحانیون حکومتی و نمایندگان سرمایه داری تجاری وابسته و زمینداران بزرگ ایران درانتخابات اخیر- بویژه در دور اول- سازمان داده

همه این رویدادها، بخش آشکار آن هدفی است که در پشت این حوادث دنبال می شود! گفته می شود، که برخی مدیران مسئول مطبوعات، که خود بخشی از پیکره حکومت محسوب می شوند، آشکارا دیگران را به سکوت در برابر این تهاجم ها دعوت می کنند. این دعوت و توصیه دزاین جملات به ظاهر دوستانه خلاصه می شود: "اوضاع خطرناک است، سکوت کنید!" - "مواظب باشید، دنبال قربانی می گردند!"

دست های پشت پرده این حوادث، ابتدا و در پایان مرحله اول انتخابات، با ابطال نتایج بدست آمده در چند شهر ایران - از جمله باطل اعلام داشتن بیش از نیم میلیون رای مردم اصفهان - تقلب در شمارش آراء، مصادره آراء این و آن به سود کاندیداهای اتحاد "بازار - روحانیت مبارز تهران - مولفه اسلامی"، کشیدن قوای نظامی به خیابانها (از جمله در اصفهان، شیراز، ملایر، تبریز، رفسنجان، مشهد)، تهدید و ارباب مردم (باهداف خانه نشین ساختن آنها در مرحله دوم انتخابات و سپس بیرون کشیدن نام کاندیداهای خود از صندوق ها) وارد میدان شدند.

حداکثر نتیجه ای که از این عملیات گرفته شد، بیرون آمدن نام روحانیون و کاندیداهای روحانیت مبارز تهران از صندوق های تهران بود!

بدین ترتیب و علیرغم همه تقلب ها، صحنه سازی ها و صندوق سازی ها، روحانیون حکومتی تنها توانستند، در تهران تعدادی از نمایندگان مورد نظر خود را از صندوق ها بیرون بیاورند تا به تصور خودشان، "مشروعیت روحانیت" را نجات بدهند! این "تلاش برای نجات خویش" و محروم ماندن سران حزب مولفه اسلامی از مجلس پنجم، به پاره ای جدائی ها میان مولفه اسلامی و حجتیه، با برخی از روحانیون حکومتی ختم خواهد شد یا خیر؟ سوالی است که پاسخ آن را حوادث آینده خواهد داد!

اعلام نتایج دوردوم انتخابات، شکست جبران نا پذیر سران حزب مولفه اسلامی (حیب الله عسگر اولادی - بادامچیان - علینقی خاموشی - امانی - نیری...)، که علیرغم همه تقلب ها و امکانات حکومتی توانستند نام خود را از صندوق ها بیرون بیاورند، و ترکیبی که برای مجلس آینده، ریاست آن و تدارک انتخابات ریاست جمهوری پیش بینی می شود، بخشی از انگیزه ها و دلائل حوادث و رویدادهای جاری در کشور است.

## این حوادث کدام نتیجه را دنبال می کنند؟

واقعیت انکار نا پذیر آنست، که مجلس پنجم اگر بر اساس تعداد کاندیداهای انتخاب شده گروه بندی های سیاسی شرکت کننده در انتخابات تشکیل شود، آن مجلسی نخواهد بود، که ارتجاع مذهبی و سرمایه داری تجاری بتواند متکی به آن و زیر پوشش "قانون" و "مجلس"، دیکتاتوری خونین خود را در ایران مسلط سازد. مجلسی که در آن فراکسیون منسجم چپ مذهبی حضور داشته باشد و اقلیت پر قدرت دیگری، تحت عنوان فراکسیون مستقل ها و یا کارگزاران و خدمتگزاران شکل بگیرد، مطلوب سرمایه داری تجاری وابسته، زمینداران بزرگ و روحانیون حامی و وابسته به این طیف طبقاتی نیست! این مجلس نمی تواند هموارکننده جاده قدرت مطلق العنان "حجتیه" باشد. چنین مجلسی بنابر گرایش های سیاسی - طبقاتی گروه بندی های حاضر در آن، بنابر مخالفت از پیش اعلام شده برخی گروه بندی ها - بویژه چپ مذهبی - با ادامه برنامه امپریالیستی "تعديل اقتصادي" و حکومت بخش خصوصی براقصاد کشور، و دفاع آنها از تعمیق و بازگشت آزادی ها به جامعه و مقابله با ارتجاع مذهبی (حتی در حد دفاع از آزادی و موجودیت سیاسی - حکومتی خویش!)، حرکت به سمت حکومت قانونی در کشور... نمی تواند مطلوب کسانی باشد، که در چهار سال گذشته، کلیدی ترین پست های حکومتی را در اختیار داشته اند و روحانیت حکومتی را نیز هدایت و رهبری کرده اند. آنها حاضر نیستند، سنگر هائی را تحویل بدهند، که با دشواری بسیار و پس از ایجاد انحرف در انقلاب بهمین بدست

و نخستین نتیجه ایست که باید از این حادثه آفرینی ها گرفته شود. یعنی همان نتیجه ای، که سازمان دهندگان پشت صحنه این حوادث، تصمیم داشتند با تشکیل مجلس یکدست بدان دست یابند! این هدف، که پنهان ساختن آن اکنون - علیرغم همه ترندهای تبلیغاتی که بکار گرفته می شود - بسیار دشوارتر از گذشته است، یعنی حکومت مطلقه "حجتیه" در ایران! حکومتی متکی به تشدید سرکوب داخلی، زیر پوشش ارتجاعی ترین سنن اسلامی و در عین حال مومن و معتقد به سرمایه داری تجاری وابسته و زمینداری بزرگ، که از حمایت امپریالیسم جهانی و دیکته کنندگان جهانی "لیبرالیسم اقتصادی" نیز، بعنوان طبیعی ترین متحد خویش برخوردار است!

## عملیات کودتائی اینگونه تدارک دیده می شود:

- یورش به زنان و دختران در خیابان ها، پارک ها و اماکن ورزشی زنان و دختران (که حمله به میدان دوچرخه سواری ویژه بانوان در میدان چیتگر، نمونه آنست)؛

- یورش به خانه های مردم؛

- حمله به دفاتر نشریات و خبرگزاری جمهوری اسلامی؛

- صدور اعلامیه های تهدید آمیز علیه نمایندگان گروه بندی های سیاسی این دوره از انتخابات که مردم در مخالفت با حکومت و با هدف ایجاد تغییرات در وضع سیاسی - اقتصادی - فرهنگی کنونی کشور به آنها رای داده اند؛

- ایجاد موج عظیم گرانی، احتکار و محروم ساختن مردم از مصرف شیر و کره و نان در سراسر کشور، متکی به تسلطی که بر شبکه توزیع و احتکار کالا دارند؛

- تصویب شتابزده لوایح "مجازات های اسلامی" در آخرین هفته ها و روزهای مجلس چهارم، که چهار سال بر آن تسلط داشته اند (آنها تلاش می کنند تا پیش از پایان دوره چهارم و با استفاده از برتری خود بر این دوره از مجلس، ارتجاعی ترین قوانین را که به سرکوب ها جنبه قانونی باید بدهد، از تصویب بگذرانند)؛

- حمله به دانشگاه ها و سخنرانی ها، که آخرین نمونه آن در دانشگاه پلی تکنیک تهران (امیرکبیر) و به بهانه جلوگیری از سخنرانی دکتر عبدالکریم سروش، به زدو خوردی چندی ساعته با دانشجویان عضو انجمن اسلامی این دانشکده انجامید؛

- انتشار فتوای مذهبی در حمایت از این حادثه آفرینی ها، با امضای روحانیونی که سهم مستقیم در انحرف انقلاب ایران از مسیر واقعی آن برعهده داشته و دارند و هدایت سیاسی آنها اکنون در اختیار آیت الله "مکارم شیرازی" در قم است! (آخرین نمونه این فتواها، علیه دوچرخه سواری بانوان در میادین مخصوص ورزشی، و در واقع علیه برنده انتخابات تهران در دور اول انتخابات مجلس، "فائزه هاشمی"، و به امضای آیت الله ساکن قم صادر شده است. آنها در این فتوا، دوچرخه سواری بانوان را "فحشا" و حمایت از آنرا "اشاعه فحشا" اعلام داشته اند)؛

- تشدید حملات تبلیغاتی علیه مطبوعات غیر حکومتی، روشنفکران، هنرمندان و روزنامه نویسان مستقل؛ (این ستیز در هفته های اخیر، با پخش برنامه تلویزیونی "هویت" و زیر پوشش مبارزه با "لیبرالیسم" و در واقع مبارزه با "آزادی" و با تحریک نیروهای مذهبی علیه روشنفکران و مخالفان ارتجاع، مفهوم و معنی دیگری یافته است! از ایران به ما خبر رسیده است، که نویسندگان معاصر (غزالیه علیزاده) در اعتراض به این برنامه و توهین هائی که به نویسندگان و هنرمندان کشور می شود، خود را کشته است)؛

- حمله به سینماها و به زیر چوب و چماق گرفتن تماشاچیان فیلم های مجاز کشور؛

آورده اند، و متکی به آن بزرگ ترین جنایات و خیانت ها را در ایران سازمان داده اند!

بلندپایه ترین کاربدستان حکومتی وابسته به موتلفه اسلامی، روحانیت حکومتی و در مجموع "حجتیه"، نظیر حاج حبیب الله عسگراولادی، حاج آقا بادامچیان، حاج علینقی خاموشی، حاج اسدا الله لاجوردی، حاج محسن رفیق دوست، حاج امانی، حاج نیری، علی اکبر پرورش و ... که در انتخابات اخیر تنها توانستند چند ده هزار رای بدست آورند، از بیم عقب نشینی اجتناب نا پذیر در برابر جنبش آزادیخواهی مردم ایران، دست به یورش زده اند.

چماقداران موتور سوار به این منظور به خیابان ها کشانده شده اند!

چماق مبارزه با باصطلاح "لیبرالیسم" با این هدف بلند شده است و عکس آیت الله کنی با همین هدف در کنار عکس های آیت الله خمینی و علی خامنه ای قرار گرفته است!

حجج اسلام، نظیر "حسینی"، "معزی" (بعنوان سخنگویان روحانیت مبارز تهران)، "رازینی" (که از جمله سه عامل اصلی قتل عام زندانیان سیاسی است) و حتی آیت الله های بد سابقه ای، نظیر "مکارم شیرازی" که "ارتجاع" سکان رهبری حوزه علمیه قم را، پس از درگذشت آیت الله خمینی، در اختیار او گذاشته است، با همین هدف به میدان کشیده شده اند!

ناطق نوری، رئیس مجلس چهارم، که علیرغم همه تقلب ها، رای سازی ها، مصادره آراء به سود او در حوزه های تحت تسلط "موتلفه اسلامی" توانست تنها چند صد هزار رای از تهران ۱۲ میلیونی بدست آورد و بدرستی بزرگ ترین بازنده انتخابات اخیر شناخته شده، با همین هدف به میدان مبارزه با باصطلاح "لیبرالیسم" آمده است!

### چه مواضعی را می خواهند حفظ کنند؟

— آنها نمی خواهند زندان اوین را از دست بدهند، چون هنوز قتل عام های بسیاری را در برنامه دارند! (اسدا الله لاجوردی، رئیس اوین و سرپرست زندان های جمهوری اسلامی، عضو رهبری موتلفه اسلامی است)؛ — آنها برای ادامه تسلط خود بر قوه قضائیه به جنگ خیابانی با مردم آمده اند (حجت الاسلام رازینی، دادستان تهران و عضو هیات سه نفره قتل عام زندانیان سیاسی و اسدا الله بادامچیان، مشاور عالی قوه قضائیه وابسته و دبیر اجرایی موتلفه اسلامی است)؛

— آنها رهبری و هدایت مجلس اسلامی را نمی خواهند از دست بدهند (نایب رئیس مجلس اسلامی، حبیب الله عسگراولادی دبیرکل موتلفه اسلامی است و برجسته ترین رهبران حجتیه و موتلفه اسلامی، نظیر علی اکبر پرورش، بعنوان نماینده اصفهان، در دوره چهارم مجلس اسلامی، دوشادوش او باید مجلس را ترک کنند)؛

— آنها ادامه ریاست "ناطق نوری" را بعنوان عامل اجرایی سیاست های خود بر مجلس اسلامی طلب می کنند؛

آنها وزارت خانه هائی نظیر وزارت ارشاد اسلامی و پست های کلیدی را در سازمان های اطلاعاتی و امنیتی، رادیو و تلویزیون کشور نمی خواهند از دست بدهند (میرسلیم، وزیر ارشاد اسلامی، عضو رهبری موتلفه اسلامی، لاریجانی، رئیس رادیو و تلویزیون عضو ارشد این حزب سراسری است)؛

— آنها برای در دست گرفتن پست ریاست جمهوری و رهبری مذهبی جمهوری اسلامی، کارگزاران مستقیم تر و وابسته تر به سازمان های بین المللی را آماده کرده اند. (برای اثبات صلاحیت مذهبی و سیاسی آیت الهی مهدوی کنی، و تثبیت مرجعیت او، نیاز به زحمت چندانی نیست و امثال محمد جواد لاریجانی را نیز آماده دارند)؛

— آنها همه نوع آمادگی را برای زدوبند بین المللی با انگلستان و امریکا فراهم ساخته اند. شایعات و زمزمه های مربوط به مذاکرات مستقیم و چند نویته "ناطق نوری" با رابطین امریکا و اسرائیل در جریان سفر به قطر، دوی و کویت، تکذیب نا پذیر است! آنها برای تبدیل ایران به متحد استراتژیک امریکا و صهیونیسم در منطقه (چیزی هم لژ نظر اقتصادی و هم از نظر سیستم حکومتی، شبیه عربستان) و سردرگم نگهداشتن نیروهای مسلح مذهبی، نیازمند گشایش سفارتخانه ها و مجلس چند فراکسیونی، که "سوال کند" و "پاسخ بخواهد" نیستند! همچنان که برای حکومت بر ایران نیز، نیازمند قانون نیستند!

— آنها نمی خواهند آن شبکه های اطلاعاتی و عملیاتی را از دست بدهند، که بر اساس آن دهها جنایت را در خارج از کشور سازمان داده و رهبری کرده اند و در داخل ایران نیز بزرگ ترین جنایات سیاسی را سازمان داده اند. (متکی به همین شبکه، که بخشی از آن در این روزها زیر پوشش "انصار حزب الله" در خیابان ها به حرکت درآمده اند، ترورها و براندازی های نوینی باید به اجرا گذاشته شود. حاصل این عملیات اگر برچیدن بساط "ولایت فقیه" و گستردن بساط مرجعیت مذهبی پر قدرت شود، آیت الله های خودشان را برای این منظور دارند. اگر حذف این ولی فقیه و برگماری ولی فقیه دیگری بمنظور برقرار دیکتاتوری مطلق مذهبی-سیاسی-اقتصادی این طیف ضروری باشد نیز جانشین های وابسته تر به خود را دارند!)

— آنها با گران کردن ناگهانی نان و احتکار شیرو کره، پس از اعلام نتایج قطعی انتخابات و محروم ماندن حاج "امانی"، دبیرکل جامعه اسلامی بازار (وابسته به موتلفه) از مجلس پنجم، چنگ و دندان به مردم نشان می دهند، زیرا شبکه توزیع و صادرات و واردات کشور و گلوی مردم گرسنه را نمی خواهند از دست بدهند!

حکومت "حجتیه" (موتلفه اسلامی- بازار- روحانیت حکومتی- ارتجاع مذهبی) نمی تواند با آزادی مطبوعات و احزاب کنار بیاید و مجلسی که فراکسیون های نیمه حزبی و تمام حزبی در آن تشکیل شود، با خواست و برنامه های آنها سازگار نیست. همه رویدادها و حوادث فاصله دو مرحله انتخابات و رویدادهای پس از اعلام نتایج قطعی مرحله دوم انتخابات، برخاسته از همین واقعیت است.

آنها ابتدا و در ماه های پیش از انتخابات، با شعار "مبارزه با مخالفان حکومت روحانیت" به صحنه آمدند و با دفاع از "ولایت مطلقه فقیه"، برای ایجاد انحراف در مبارزه واقعی مردم با خائنین به انقلاب و با تحریک نیروهای نظامی-مذهبی و توده مردم، تلاش کردند، دیگران را مرعوب ساخته و با خانه نشین ساختن مردم، انتخاباتی را برگزار کنند که نتایج آن باید سپردن عنان مطلق کشور، از طریق قانون و با رای مردم (!) بدست این طیف می بود.

این تلاش با برگزاری مرحله اول انتخابات و آشکار شدن مخالفت توده ای مردم با روحانیت حکومتی و حزب متحد آن "موتلفه اسلامی" نه تنها با شکست روبرو شد، بلکه آن شعار، یعنی "مبارزه با مخالفان حکومت روحانیت"، و نتایج بدست آمده از آراء مردم، عملا مهر تائیدی بود بر وجود مخالفت سراسری مردم با ادامه وضع موجود در کشور و تسلط ارتجاع بر ارکان حکومتی. این رای یعنی آشکار شدن رسمی و قانونی "پایان مشروعیت حکومت سرمایه داری تجاری وابسته و روحانیون حامی آن"!

بر اساس همین واقعیت است، که آنها در فاصله دو مرحله انتخابات و پس از پایان کامل انتخابات، آن شعار را بکلی کنار گذاشتند و با شعار تاکتیکی "مبارزه با لیبرالیسم" به میدان آمدند. هم شعار مبارزه با مخالفان حکومت روحانیت و هم شعار مبارزه با باصطلاح "لیبرالیسم" یک هدف را دنبال می کند و آن مقابله با جنبش آزادیخواهی مردم ایران است! جنبشی، که انتخابات اخیر وسعت و قدرت آنرا برای مقابله با حکومت نشان داد!

جنبش آزادیخواهی مردم ایران، امروز تنها با اتکا به تشکل آگاهانه خود می‌تواند، توطئه‌ها را خنثی ساخته و گام به گام برای پیروزی پیش برود! این یگانه اصل علمی مبارزه برای ایجاد تحولات مترقی در جامعه است. ما برخاسته از بینش تاریخی حزب توده ایران، در اطلاعیه مربوط به اعلام نتایج مرحله اول انتخابات مجلس، هشدار دادیم که ارتجاع این شکست خود را به آسانی نخواهد پذیرفت و با استفاده از همه توان و امکاناتش برای مقابله با جنبش مردم و جبران شکستی که در این مرحله متحمل شده، وارد میدان خواهد شد. سیر حوادث و رویدادهای کنونی در ایران، نه تنها یکبار دیگر مشی و سیاست توده‌ای و این پیش‌بینی را تأیید می‌کند، بلکه باردیگر همه نیروهای ملی و مترقی (مذهبی و یا غیر مذهبی)، که طیف تحریم‌کنندگان انتخابات اخیر را تشکیل دادند، به مرور دوباره ارزیابی‌ها، تحلیل‌ها، شعارها و تاکتیک‌ها فرا می‌خوانند. ما همه این نیروها را برای پاسخ گفتن به این سؤال بسیار ساده فرا می‌خوانیم:

"رویدادهای اخیر، در داخل کشور، برای مقابله با آتھانی است که رای ندادند و یا سرکوب کسانی است، که با آراء خود به حاکمیت ارتجاع گفتند "نه"؟"

### احزاب و سازمان‌های سیاسی

اکنون در برابر تمام احزاب و سازمان‌های سیاسی و اپوزیسیون مترقی ایران، این سؤال اساسی قرار دارد، که در برابر حوادثی که در ایران در حال تکوین است، چه موضعی باید اتخاذ کرد؟

بخشی از مخالفان سیاسی (نه سیستم اقتصادی) حکومت، - در طیف راست- و حامیان آنها، بر این عقیده‌اند، که هرچه جامعه بیشتر به طرف انفجار برود به سود اهداف آنهاست. این طیف، حتی در برخی نشریات خود نیز گاه با خجالت و گاه با صراحت می‌نویسد، که در صورت وقوع یک انفجار اجتماعی، می‌توان متکی به سیاست امپریالیسم و حتی قوای نظامی اسرائیل و آمریکا، به حکومت بازگشت! این که از چنان انفجاری چنین نتیجه‌ای بدست خواهد آمد، یا نخواهد آمد، برای نیروهای ملی و مترقی در درجه دوم اهمیت قرار دارد، چرا که مقابله با این اندیشه و نقشه ضد ملی، همان اندازه باید در دستور نیروهای ملی و مترقی قرار داشته باشد، که مقابله با حاکمیت کنونی!

اتفاقاً، در داخل کشور نیز سرمایه داری تجاری وابسته، متکی به سازمان‌های سیاسی- اقتصادی خود، اندیشه و نقشه‌ای مشابه را دنبال می‌کند. آنها نیز یورش به جنبش آزادیخواهی مردم را زیر شعار "می‌کشیم، می‌کشیم" مخالف امام را و "مبارزه با لیبرالیسم" با این احتمال سازمان داده‌اند، که اگر نتوانستند، با همین شعارها و حادثه آفرینی‌ها به هدف برسند و کار به یک انفجار اجتماعی کشید، چون در داخل کشور، یگانه حزب و سازمان سیاسی علنی، "موتلفه اسلامی"، و مخفی، "حجتیه" را در اختیار دارند، قادرند این انفجار را به سود خود کنترل کنند، و چون حاضرند تمام فرامین اقتصادی امپریالیسم جهانی را مو به مو در ایران پیاده کنند، با چند امتیازی که با اعلام انصراف از اعدام سلمان رشدی و قطع کمک به حزب الله لبنان خواهند داد، حمایت عملی و حتی نظامی آمریکا و اسرائیل را جلب خواهند کرد.

در این میان، نیروهای مترقی، ملی و خواهان تحولات اجتماعی (در داخل و خارج کشور- ملی، مذهبی و یا دگراندیش) می‌تواند متکی به جنبش مردم در داخل کشور و با هدف تأمین عدالت اجتماعی ممکن، آزادی و حفظ استقلال کشور سهم و نقش تاریخی خود را در ایران ایفاء کند.

### حزب توده ایران، پیشگام بی‌تزلزل این نقش است!

مردم ایران، آزادی، عدالت و استقلال کشورشان را می‌خواهند، و ارتجاع متحد "روحانیت حکومتی- سرمایه داری تجاری و زمینداران بزرگ" تاراج اسلامی و فقهی مملکت را. این دو خواست در برابر هم قرار دارند و تا نبرد در این عرصه به نتیجه قطعی خود نرسد، در اشکال گوناگون تشدید خواهد شد!

تکلیف حکومت و حکام کنونی را، رای مردم در انتخابات اخیر روشن کرده است. هر نوع مقاومت در برابر این رای و خواست مردم، حتی اگر با برخی مصالحه‌ها و یا به قول سران طردشده حزب موتلفه اسلامی، "وفاق ملی" (و در واقع زد و بندی ضد ملی) نیز همراه شود، نه از اعتبار "نه" تاریخی و قانونی مردم به حکومت می‌کاهد و نه به بقای حکومت فاقد مشروعیت مردمی کمک می‌کند! این در حالی است، که هیچ نوع "وفاق" با ارتجاع و طرفداران ادامه غارت کشور، طرفداران سرمایه داری تجاری وابسته، طرفداران "لیبرالیسم اقتصادی" امپریالیسم، راهگشای مشکلات عظیم سیاسی- فرهنگی و اقتصادی کشور نیست و در عمل "اتحادی" است "تا مقدس" در برابر "اتحاد مقدس" مردم جان به لب رسیده ایران در برابر حکومت!

### جنبش مردم و یورش ارتجاع

توده‌ای ترین و درعین حال ساده ترین پاسخ به یورش های جدید، مقابله با همان خواستی است، که ارتجاع برای رسیدن به آن، در برابر مردم صف آرائی کرده است.

- اگر ارتجاع می‌خواهد مطبوعات غیر حکومتی را مرعوب ساخته و ناچار به سکوت کند، باید خلاف آن عمل کرد!

- اگر ارتجاع می‌خواهد مردم را خانه نشین ساخته و زیر سایه اختناق، بگیرو ببندهای تازه و زد و بندها و معاملات سیاسی جدید را سازمان بدهد، باید برخلاف آن عمل کرد!

- اگر حکومت و طردشدگان از جانب مردم، با شعارهای انحرافی و گمراه کننده (نظیر ضرورت اعدام سلمان رشدی، مقابله با بد حجابی و دوچرخه سواری، مبارزه با فرهنگ باصطلاح لیبرالی) به میدان آمده است، باید با شعارهای واقعی و برخاسته از نیاز جنبش و مردم (نظیر طرد برنامه اقتصادی خانمان برانداز "تعدیل اقتصادی"، کوتاه کردن دست سرمایه داری تجاری از شبکه توزیع و صادرات و واردات، مقابله با خصوصی سازی راه آهن، پست، بیمه، درمان، بهداشت، تحصیل، ...) به میدان آمد!

- اگر ارتجاع با هر نوع تشکل سیاسی و حزبی، جز آنچه خود در سراسر ایران بوجود آورده، مخالف است، باید از ضرورت آزادی احزاب دفاع کرد!

- اگر طرد شدگان و بازندگان انتخابات اخیر، در پی مصالحه، معامله و زد و بند سیاسی اند، باید آتراء افشاء کرد و مقابله با آتراء سازمان داد!

- اگر حکومت در پی، جلوگیری از برخی همکاری‌های کنونی میان گروه‌بندیهای سیاسی راه یافته به مجلس و برخی محافل سیاسی خارج از مجلس است، باید این همکاری را هر چه سریعتر به اتحاد عمل و برنامه آشکار و علنی تبدیل ساخت و راه های نفوذ را بست!

- اگر طرد شدگان انتخابات اخیر، در پی بیرون راندن مردم از صحنه، سیاست زدائی از جامعه و فراهم ساختن زمینه یورش و ضربه به جنبش است، باید برخلاف آن عمل کرد. باید توطئه‌ها را افشاء کرد، مردم را آگاه ساخت و نیروی مقاومت را بسیج کرده و سازمان داد!